**بسم الله الرحمن الرحیم**

**دالرزدایی: آیا کاهش وابستگی به دالر بر هژمونی آن اثرگزار است؟**

**(ترجمه)**

بحث رو به افزایش در مورد این‌که آیا تغییر به سمت استفاده از ارزهای غیر از دالر در برخی معاملات تجارتی منجر به فرایند دالرزدایی می‌شود؟ و آیا این امر منجر به کاهش هژمونی دالر در نظم جهانی فعلی موجوده می‌شود؟

این اولین بار نیست که مردم درباره احتمال سقوط دالر گمانه‌زنی می‎کنند و با نوسانات مداوم در اقتصاد، آخرین بار هم نخواهد بود. اما برای درک بحث کنونی و در نظر گرفتن آن، باید به واقعیت نظام -همه جوانب سیاسی و اقتصادی آن- نگاه کنیم و بفهمیم که چگونه امریکا خود را در نظم جهانی سرمایه‌داری، که همه کشورها وفاداری خود را به آن دارند، جا داده است.

چرا این بحث دوباره آغاز شد؟ گزارش‌های خبری اخیر نشان می‌دهد، کشورهایی‌که در معاملات خود به عوض دالر با یوان چین اقداماتی را انجام داده‌اند، نتیجه آن طوری بوده که وابستگی خود را به دالر کاهش داده‌اند:

- بانک مرکزی عراق، یکی از تأمین کنندگان بزرگ نفت، اعلام کرد که اجازه می‌دهد تجارت با چین برای اولین بار به یوان انجام شود.

- بانک مرکزی بنگله‌دیش در ماه سپتمبر اعلامیه مشابه را منتشر کرد.

- اعضای سازمان همکاری شانگ‌های، که تحت تسلط چین است، توافق کردند که تجارت با ارزهای محلی خود را افزایش دهند. به غیر از چین این بلوک متشکل از روسیه، هند، پاکستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان است.

- در ماه دسمبر چین و عربستان سعودی اولین معامله خود را به یوان انجام دادند.

- روسیه تصمیم گرفته تمام درآمد اضافه‌ نفت و گاز خود را در سال 2023م به یوان ذخیره کند؛ چون به طور فزاینده‌ای برای ذخایر ارزی خود به ارز چین روی می‌آورد. (منبع: الجزیره)

- برازیل و چین به توافقی دست یافتند تا با استفاده از ارزهای خود به عوض دالر امریکایی تجارت کنند. چینی‌ها به عهد خود از ماه فبروری برای باز کردن یک اتاق تسویه برای تسویه معاملات با یوان در برازیل عمل می‌کنند و قبلاً اتاق‌های تسویه مشابه را در پاکستان، قزاقستان و لائوس اعلام کرده بودند. (منبع: <https://unherd.com/thepost/could-europe-benefit-from-de-dollarisation>)

- چین در حال خلاص شدن از شر اوراق خزانه‌داری ایالات متحده است که یکی از ابزارهایی‌ست که کشورها برای حفظ ذخایر دالر از آن استفاده می‌کنند. این کشور اکنون دارای 870 میلیارد دالر بدهی/قرض ایالات متحده است که پایین‌ترین میزان از سال 2010م است. این کشور هم‌چنان در حال مذاکره با سایر کشورها برای تجارت به یوان است. (منبع:https://www.cfr.org/backgrounder/dollar-worlds-currency)

- چین و روسیه هردو نفت را با ارزهای محلی خود معامله می‌کنند.

- اتحادیه اروپا تدارکاتی را برای تسویه تجارت نفت ایران به یورو انجام داده است.

- هند با معامله‌ای برای پرداخت پول نفت ایران به روپیه موافقت کرده است.

انگیزه این تصمیم‌ها بر مبنی واقعیت‌های مختلفِ سیاسی بوده است؛ از تصمیم ایالات متحده برای اعمال تحریم‌های مالی علیه روسیه گرفته تا تمایل به خرید نفت از ایران و اجتناب از تنش‌های سیاسی پیرامون توافق هسته‌ای.

از نقطه نظر استراتژیک، تلاش کشورها برای کاهش اتکاء به دالر ناشی از این ترسی است که ایالات متحده می‌تواند از قدرت دالر برای هدف قرار دادن سایر کشورها استفاده کند؛ همان‌طور که در زمان تحریم روسیه انجام داد. دولت‌ها با کاهش اتکای خود به دالر و انتقال تجارت خود به ارز دیگری مانند یوان به طور بالقوه‌ای می‌توانند قدرت نرم دالر را تضعیف کنند.

از نگاه اقتصادی، کاهش اتکای آن‌ها به دالر ممکن است به آن‌ها اجازه دهد تا اقتصاد خود را حفظ کنند و از تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده که بر آن‌ها دارد، بکاهند. این نکته مهم است؛ چون با افزایش قدرت دالر، فشارهای تورمی بر سایر کشورها افزایش می‌یابد. این امر مهار تورم بالا را برای بانک‌های مرکزی دشوار می‌کند. این درد زمانی افزایش می‌یابد که قدرت دالر باعث فشار بر حجم تجارت، سخت‌تر شدن شرایط تأمین مالی تجارت و افزایش بدهی‌های دولتی در کنار افزایش هزینه‌های خدمات بدهی می‌شود. سپس این واقعیت وجود دارد که با افزایش قدرت دالر، فعالیت اقتصادی جهانی را تحت فشار قرار می‌دهد و به دیگر ارزها فشار می‌آورد تا تضعیف شوند و حتی قدرت دالر را به شکل بالاتری تقویت می‌کنند. این نتیجه بیشتر بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، ضعف ارز را تقویت می‌کند و یک حلقه سقوط واکنشِ خود تقویت‌کننده را به حرکت در می‌آورد. در واقع یک نتیجه منفی دیگری را بر می‌انگیزاند. (منبع: <https://theconversation.com/the-us-dollar-is-getting-stronger-african-countries-are-feeling-the-pain-and-have-few-policy-options-195023>)

بنابراین، تنوع در این امر می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا از اثرات دالر عبور کنند و این به عوامل متعدد دیگری بستگی دارد.

**آیا این تنوع به معنای آنست که دالر به طور کامل سلطه خود را از دست خواهد داد؟** نخیر؛ این‌طور نیست. از آنجایی که دالر هم‌چنان مسلط است، افزایش استفاده از ارزهای دیگر باعث تضعیف تسلط آن‌ها نشده است.

کاهش سهم دالر به طور قابل توجهی با افزایش سهام پوند استرلینگ، یوان و یورو و سایر ارزهای ذخیره طولانی‌مدت همراه نبوده؛ بل تغییر دالر در دو جهت بوده است. یک چهارم به رنمینبی (پول) چین و سه چهارم به سمت ارزهای کشورهای کوچک‌تر، که نقش محدودتری به عنوان ارزهای ذخیره ایفاء کرده اند. (منبع: <https://internationalbanker.com/finance/we-are-witnessing-a-global-de-dollarisation-spree/>)

این ممکن است آغاز یک سیستم شکسته‌تر باشد که در نهایت می‌تواند توانایی ایالات متحده برای استفاده از تحریم‌های مالی را به‌عنوان یک سلاح تضعیف کند... «هرچه کشورهای بیشتری را مجبور کنید، آن جایگزین‌ها را پیدا کنند، در حقیقت کاری‌که می‌خواهید انجام دهید، افزایش اقتصاد مقیاس و تجربه در آن زمینه هاست.» (منبع: <https://www.wsj.com/articles/russia-turns-to-chinas-yuan-in-effort-to-ditch-the-dollar-a8111457>)

این در حالی‌ست ‌که بانک‌های مرکزی دالر کمتری را به عنوان ذخایر نگهداری می‌کنند. در مقایسه با سال گذشته، صندوق بین‌المللی پول خاطرنشان می‌کند که دالر تا هنوز به دلیل نقش مسلط آن در تجارت جهانی، بدهی‌های بین‌المللی و استقراض غیر بانکی هم‌چنان نقش بزرگی در بازارهای جهانی ایفاء می‌کند که هنوز از سهم ایالات متحده در تجارت، انتشار اوراق قرضه و قرض گرفتن و قرض دادن بین المللی بسیار بیشتر است. (منبع: <https://internationalbanker.com/finance/we-are-witnessing-a-global-de-dollarisation-spree/>)

عواملی‌که در تسلط دالر نقش دارند، عبارت اند از ارزش پایدار آن، اندازه اقتصاد امریکا و وزن جیوپولیتیک آن. برعلاوه، هیچ کشور دیگری بازاری برای بدهی خود مشابه به امریکا ندارد که مجموعاً به ارزش 18 تریلیون دالر است. فکر کردن به خزانه‌داری ایالات متحده به‌عنوان دارایی ذخیره پیشرو در جهان مفیدتر است. اگر بازارِ مشابه به بازارِ خزانه‎داری نداشته باشید، رقابت با دالر سخت است. (منبع: <https://www.cfr.org/backgrounder/dollar-worlds-currency>)

با وجود لغزش در سهم ذخایر ارزی، دالر هم‌چنان بیش از مجموع ارزهای دیگر است. یوان تنها 2.7 درصد از ذخایر ارز خارجی جهان را تشکیل می‌دهد. (منبع: <https://www.wsj.com/articles/king-dollar-still-looks-safe-from-the-yuan-d706ba7d>)

**درک عمق وضعیت لازمی است:**

این درست است که کشورها در تلاش برای ایجاد تنوع هستند. این واقعیت اجتناب‌ناپذیر نظام کنونی است که در آن کشورها همواره در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و در عین حال تلاش می‌کنند تا منافع ملی خود را بکار گیرند. اما برای درک شرایط نمی‌توان تنها به آمارهای اقتصادی یا حتی رویدادهای سیاسی فردی نگاه کرد. برای رسیدن به درک عمیق‌تر از وضعیت باید نحوه عملکرد سیستم و نقش دالر در آن را درک کنیم.

اگر شرایط صرفاً به عنوان یک بازی حاصل جمع صفر ارزیابی شود و کشورهایی که برنامه‌های متفاوتی دارند، در حال رقابت با یکدیگر هستند، به نظر می‌رسد اقداماتی‌که چین و سایر کشورها انجام می‌دهند، منجر به وابستگی به امریکا و دالر خواهد شد. اما زمانی‌که وضعیت از نقظه نظر ایدیولوژیک درک می‌شود، با دولت‌هایی‌که منافع خود را در یک محدوده مشخص دنبال می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که ایدیولوژی سرمایه‌داری هم‌چنان به تسلط خود ادامه می‌دهد، تحلیل وضعیت کمی تغییر می‌کند. به‌خصوص وقتی نگاه می‌کنیم که امریکا چگونه دالر را در سیستمی که از ایدیولوژی سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد، جاسازی کرد.

**وضعیت هژمونیک دالر:**

در سال 1971، رئیس جمهور نیکسون، دالر را از طلا حذف کرد. از آن زمان به بعد کالاهای حیاتی، که قابل توجه‌ترین آن‌ها نفت است، به جای پشتوانه‌ی طلا یا نقره به دالر فیات قیمت‌گزاری می‌شوند. امریکا موقعیت دالر را تقویت کرد، زمانی‌که با کشورهای تولیدکننده نفت مانند عربستان توافق کرد که تنها نفت را به دالر بفروشد و چیزی را که به عنوان "دالر پترو" شناخته می‌شود، بوجود بیاید. بنابراین، بقیه جهان دالر را پذیرفتند، چون برای خرید نفت به دالر نیاز داشتند.

این امر بر تجارت تأثیر می‌گذارد؛ زیرا کشورهای صادرکننده در بازار جهانی برای جذب دالرهای مورد نیاز برای خدمات‌رسانی به سرمایه خارجی و بدهی دالری، پرداخت هزینه‌های انرژی، مواد خام و کالاهای سرمایه وارداتی، پرداخت هزینه‌های مالکیت معنوی و هزینه‌های فناوری اطلاعات رقابت می‌کنند. با پیوند دادن سایر ارزها به دالر، دالر ارزش تجاری هر ارز را از ارتباط مستقیم با بهره‌وری اقتصاد صادرکننده جدا می‌کند تا آن را طور مستقیم به اندازه ذخایر دالری، که توسط بانک مرکزی صادرکننده نگهداری می‌شود، مرتبط کند.

در نتیجه‌، هژمونی دالر امریکا را قادر می‌سازد تا به‌طور غیرمستقیم مالکیت کل اقتصاد جهانی را با الزام ثروت‌اش به دالرهای فیات که ایالات متحده می‌تواند به میل خود با جریمه‌های پولی کم چاپ کند، در اختیار داشته باشد.

**دالر تنها یک قطعه‌ای از سیستم است که در آن امریکا هژمون جهانی است:**

در اواسط دهه 1900م، زمانی‌که دوران امپریالیستی قبلی به پایان می‌رسید، چنان‌که جنگ‌های جهانی از سراسر جهان با ویرانی انتقام می‌گرفت، امریکا به عنوان هژمون مسلط ظاهر شد که نظم جهانی جدیدی را به همراه داشت و از ایدیولوژی سرمایه‌داری پیروی می‌کرد، مطمئن شد که بقیه جهانیان تابع آن شدند.

آن‌ها برخی از اقدامات من‌جمله تمایل به ترمیم اقتصاد جهانی با اجازه دادن به تسلط دالر را ارائه کردند؛ چون سایر کشورها ارزهای محلی خود را به آن متصل کردند و دالر را در ذخایر خود نگهداشتند تا نرخ مبادله خود را حفظ کنند. دالر عمیقاً در سیستم تثبیت شد و بازار مالی عمیق و منعطف ایالات متحده و قواعد یکی‌شده‌ی نسبتاً شفاف حکومت و ثبات دالر تضمین کردند که ارز غالب باقی ماند. (منبع: <https://www.aljazeera.com/features/2023/3/7/will-russia-sanctions-dethrone-king-dollar>)

اما این بسیار فراتر از دالر به‌عنوان ارزی است که بین دولت‌ها استفاده می‌شود و اینجاست که حوزه‌های سیاسی و اقتصادی به هم مرتبط هستند

زمانی که ایالات متحده به عنوان قدرت غالب در دوران پس از جنگ جهانی ظاهر شد، آن‌ها از قدرت اقتصادی خود برای بازسازی نظم جهانی استفاده کردند. ایجاد سازمان‌های بین‌المللی، جاسازی دالر در سیستم، ایجاد اتحادهای مختلف و حصول اطمینان از این‌که هرگاه در نسخه‌ خود از نظام سرمایه‌داری کار بگیرند، به نفع دولت‌هاست. هنگامی‌که امریکا این نظم جهانی را ایجاد کرد، این کار را با حمایت سایر کشورهای قدرتمند انجام داد، همه آ‌ن‌ها موافقت کردند که بخشی از حاکمیت دولت خود را مطابق با قوانین تعیین‌شده توسط امریکا در ازای منفعتی که با کار در سیستم به دست می‌آوردند، به سیستم بین‌المللی تقلیل دهند.

در نتیجه، در حالی‌که دولت‌‌ها در یک بازی حاصل جمع صفر گیر کرده‌اند، در سیستمی که امریکا بر آن مسلط است، جاسازی شده‌اند -و برای حذف ایالات متحده، به این معنی که آن‌ها باید دولتی داشته باشند که بتواند آن را در نظم جهانی فعلی جایگزین کند- که قرار نیست به این زودی اتفاق بیفتد. این به خاطر آنست که سایر دولت‌ها همان قدرت یا مشروعیتی را که امریکا در حال حاضر دارد، ندارند که هردوی آن‌ها برای پذیرش یک هژمون جدید به جای امریکا مورد نیاز است، و این بدان معناست که دالر به عنوان ارز غالب باقی خواهد ماند؛ حتی اگر دولت‌ها تلاش کنند اتکای خود را به آن کاهش دهند. امر فوق بخصوص زمانی صدق می‌کند که این واقعیت را در نظر بگیرید که هر ارز -از جمله یوان چین- به دالر گره خورده است.

**چین مدعی موقعیت هژمون جهانی نیست، بنابراین ارز آن‌ها جایگزین هژمونی دالر نخواهد شد:**

تنها ارزی‌که می‌تواند در درازمدت جایگزین دالر امریکا شود، رنمینبی (پول چین) است؛ اما برای این‌که بتواند این نقش را ایفاء کند، ارز باید کاملاً قابل تبدیل باشد... یک ارز زمانی کاملاً قابل تبدیل می‌شود که بتوان آن را آزادانه با سایر ارزها برای همه مقاصد در بازارهای مالی، تجارت یا در بازارهای جهانی ارز خارجی مبادله کرد. با این حال، ین تنها برای مقاصد محدودی مانند تجارت قابل تبدیل است و جذابیت آن را با وجود تاثیر روزافزون چین بر اقتصاد جهانی محدود می‌کند. (منبع: <https://www.aljazeera.com/features/2023/3/7/will-russia-sanctions-dethrone-king-dollar>)

اما در کنار مسائل ارزی هدف درازمدت چین نابودی امریکا نیست؛ بلکه افزایش استقلال آن‌ها در نظم جهانی ایجاد شده توسط امریکا است تا بتوانند منافع ملی خود را بدون دخالت آن اعمال کنند. دو کشور در یک نظام کار می‌کنند و اقتصاد آن‌ها را به یکدیگر وابسته کرده است.

**به همین دلیل، رد کامل سیستم فعلی و واحد پولی آن ضروری است:**

بحث در مورد مسئله دالرزدایی یک چیز را کاملاً روشن می‌کند، دلیل بسیار مهمی وجود دارد که چرا ما با تأسیس دوباره دولت خلافت ان شا ءالله ارزهای فعلی را رد خواهیم کرد.

بودنِ بخشی از این نظام اقتصادی و پذیرش ارزهای فیات فعلی ما را کاملاً به کشورهای دشمن مانند امریکا وابسته می‌کند. از طریق دالر آن‌ها می‌توانند اطمینان حاصل کنند که اقتصاد ما به آن‌ها وابسته است و این به امریکا اجازه می‌دهد تا سیاست‌های ما را (چه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم) دیکته کند و اطمینان حاصل کند که ما تابع آن‌ها هستیم.

ما در اسلام اجازه نداریم تابع یا وابسته به کشورهای بیگانه باشیم. این امر بخصوص در مورد کشورهای دشمن مانند امریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه که می‌خواهند بر خلافت مسلط شوند و یا آن را نابود کنند، صدق می‌کند. ما باید در برابر آن‌ها اقدامات احتیاطی انجام دهیم که اگر به هم وابسته باشیم، امکان‌پذیر نخواهد بود.

شکی نیست که استفاده از ارزهای فیات که امروزه وجود دارد، ما را به این دولت‌ها وابسته می‌کند.

**به این ترتیب، تحت چتر دولت خلافت، ما ارز مستقل خود را خواهیم داشت و مجاز نیست که به هیچ ارز خارجی مرتبط باشد:**

ایجاد ارز معین برای دولت از مسائل مجاز است. بنابراین ایجاد ارز مشخص برای دولت مجاز است و به همین ترتیب برای دولت مجاز است که این کار را انجام ندهد. پس صدور ارز بر دولت واجب نیست، مگر این‌که حفظ اقتصاد زمین از تباهی و حفظ آن در برابر دشمنان، مستلزم صدور ارز باشد که در این صورت صدور آن واجب است.

ربط دادن پول ما به یک ارز خارجی ممنوع است؛ زیرا "دولت را وادار می‌کند از هر کشور کافری که واحد پول خود را به آن پیوند می‌دهد، پیروی نموده و ما را از نظر مالی در معرض آن دولت کافر قرار دهد." (ماده 166 پیش‌نویس قانون اساسی)

**آن ارز محدود به طلا و نقره خواهد بود، چه ضرب شده باشد و یا نباشد؛ هیچ شکل دیگری از ارز برای دولت مجاز نیست:**

دولت می‌تواند به عنوان جایگزین طلا یا نقره، سکه یا ارز کاغذی منتشر کند، مشروط بر این‌که بیت المال معادل طلا و نقره را برای پوشش سکه‌های صادر شده داشته باشد. و ما مجاز نیستیم که ارز دیگری را وارد سرزمین‌های دولت اسلامی کنیم، اگر به بخش‌های پولی، مالی یا اقتصادی ما آسیب وارد کند. این امر در مورد صادرات ارز دولتی و واردات و صادرات ارز به همان نحوی که در معاملات داخل کشور اعمال می‌شود، بکار می‌رود. (ماده 167 پیش‌نویس قانون اساسی)

الله سبحانه وتعالی جهان اسلام را با مواد لازم برای این امکان فراهم کرده است. ما طلا داریم و نقره داریم. مشکل این است که ما در حال حاضر هیچ کنترولی بالای آن نداریم و ما تقسیم شده‌ایم؛ بنابراین منابعی یک قسمتِ از سرزمین‌های اسلامی برای مسلمانان بقیه سرزمین‌های اسلامی قابل دست‌رس نیست. این امر به محض تأسیس دوباره‌ی دولت خلافت به منهج نبوت تغییر خواهد کرد، ان‌شاء الله اگر چه تصور واقعیت آن روز برای ما دشوار باشد!

به همین دلیل درک این نکته مهم است که با آمدن خلافت همه چیز باید تغییر کند و این که ما چرا نمی‌توانیم قوانین اسلامی را در چارچوب نظام سرمایه‌داری که امروز بر ما حاکم است اعمال کنیم.

**نویسنده: فاطمه مصعب- عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**

**برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر**